

در اصلاح طلب‌ها عده‌ای معتدل داریم که مقداری متین‌تر و با برنامه‌تر فکر می‌کنند و عده‌ای تندرو داریم. ضد انقلاب‌ها هم همین‌طور هستند. برخی شعار می‌دهند، تندروی و دست به خشونت می‌زنند و برخی دیگر به مبارزات سیاسی پایبندند. در اصولگرایان هم همین‌ها را داریم.

پس اینکه بخواهیم فقط یک نوع دسته‌بندی، قضاوت، تعابیر و عناوین خاصی بسازیم و انقلابی‌ها را متهم به تندروی کنیم یا اینکه بگوییم به روش‌های عقلانی پایبند نیستند، این را قبول ندارم و آن را انحراف در تعبیر می‌دانم. به هر حال در طیف اصولگرایان، عده‌ای درگیر مسئولیت‌ها بودند. وقتی دولتی از آن طیف پیروز می‌شود، او نیز همان افراد خود را سرکار می‌آورد. این طبیعی است که وقتی آقای احمدی‌نژاد می‌آید، نمی‌تواند از تیم و طرفداران رقبایش افرادی را سرکار بگذارد. طبیعتاً کسانی که در مجموعه اصولگرایی بوده‌اند، استفاده کرده‌اند. ولی ایشان دسته‌بندی کرده و در مرحله اول از یک‌سری افراد و در مرحله بعدی از افرادی دیگر که به تفکر او نزدیک‌تر بوده‌اند و او را بیشتر قبول داشته‌اند، استفاده کرده است.

برادر عزیزمان شهید رئیسی که آمدند، طبیعی است که از مجموعه‌های همفکران و دوستانی که اصولگرا و نزدیک به او بودند، استفاده کرد. برخی از آنها چهره‌های معتدل‌تری بودند و برخی دیگر گرایش‌های تندروتری داشته‌اند. این تیم‌بندی‌ها طبیعت رقابت سیاسی است.

ولی اشکال را بالاتر از این حرف‌ها می‌دانم. رقابت سیاسی ما در کشور تعریف شده نیست. آموزش‌های سیاسی به همفکرانمان کمتر می‌دهیم و داده‌ایم. این کنشگری سیاسی، یکی از چالش‌های ماست. اگر می‌خواستیم مشکلات کشور را بیان کنم، بعد از مشکلات نظام اداری و ساختاری، به نظامات سیاسی و رقابت‌های سیاسی اشاره می‌کردم. این هم یکی از مشکلات ما است که باید به آن توجه کنیم. به هر حال ما در انتخاب دولت‌ها می‌ایستیم و نگاه می‌کنیم تا چهره‌ای نامزد شود، بعد می‌بینیم طرفدارانش چه کسانی هستند و بعد از روی ناچاری می‌گوییم این بهترین است. آن هم برای جامعه سیاسی فعال و پرنشاط سیاسی مانند ما که همه

مسائل خود را با انتخاب و حضور و مشارکت مردم و انتخابات، گره زده‌ایم. در این تردید نکنید. برخی قوانین اشکال دارد و من هم جزو نقدکنندگان به برخی قوانین و شرایط هستم. اما نظام ما کاملاً مردم‌سالار است. همه چیز ما با انتخابات شکل می‌گیرد و زندگی ما به انتخابات بسته است.

به طور مثال، آقای وزیر اقتصاد استیضاح شد. هرچند نتیجه آن را به نفع مردم و کشور نمی‌دانم بلکه مجلس باید با نظارت و هشدار به دولت فرصت می‌داد و از آن حمایت می‌کرد ولی به هر حال مجلس و نمایندگان دارند از حق خود استفاده می‌کنند تا وزیر را استیضاح کنند. به هر حال فردی ۷-۸ ماه پیش از مردم رأی گرفته و شش ماه است دولت تشکیل داده است. مجلس و نماینده داریم و از آن‌ها از حق خود استفاده می‌کنند تا وزیر را استیضاح کنند. مشخص است که این مردم‌سالاری به طور جدی در جریان است. نظامی که شدیداً وابسته به مردم‌سالاری است و پایبند به رأی ملت، باید قواعد مناسبی را برای حضور و مشارکت مردم و فعالیت سیاسی، تدوین و تدبیر کند. در این جهت هم دچار مشکل هستیم. اولاً

در گذشته اصلاً تجربه مردم‌سالاری نداشتیم. انتخابات نداشتیم. اول انقلاب اصلاً رأی دادن بلد نبودیم. وقتی می‌خواستیم صندوق آماده کنیم تا مردم رأی دهند و شعبه رأی‌گیری و اخذ رأی داشته باشیم، نمی‌دانستیم باید چه کنیم. چون ما و اکثر ملت در هیچ رأی‌گیری شرکت نداشتیم و نمی‌دانستیم و باید یاد می‌گرفتیم که رأی‌گیری و تبلیغات انتخاباتی چگونه است. آرام آرام این را یاد گرفتیم. برخی مواقع آن طور که باید و شاید عمل نکردیم و برخی اوقات تندروی کرده‌ایم. تبلیغات انتخاباتی ما در ایران برخی اوقات از خیلی جاها جلوتر می‌زند و رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی ما بسیار شدید است. این نشان می‌دهد که رقابت در ایران بسیار جدی است، ولی قواعد کافی برای رقابت درست و حرکت سیاسی و ساماندهی سیاسی کشور نداریم.

◀ شما مدام اشکال می‌گیرید و نقد می‌کنید ...

ظاهراً اظهارات من بیشتر خوشبینانه و امیدوارانه است، البته باید به ضعف‌ها هم توجه کنیم و قبلاً هم گفته‌ام و مجدداً اشاره

